

میل و قریب
مصنوع

نگارش: ناصر الملوک شریف

هیپنوتیزم مصور

اثر :

ویلا بلو

ترجمه و تمارش

ناصر الملوك شريف

حق چاپ محفوظ و اقتباس ممنوع است

مهر ماه ۱۳۲۷

تهران

چاپخانه آتشکده

مهر ماه ۱۳۲۷

پیشگفتار

وقتی بخود آدم ک حس کردم زندگی و زندگانی ام سراسر
درد و رنج است .

رنج هستی ، آری همین رنج هستی که در افکار و اعماق روح خود
احساس ناراحتی میکنیم !
بالاخره این آلام روحی مرا بستری کرد .

من میتوانم اعتراف کنم که این عقده ها مرا ناتوان نموده ، آیا
کسی که چنین درد ها مبتلا است حاضر است اذعان نماید که بیمار
روحی است ؟
مسلماً نه

اصولاً کسی حاضر نیست او را مریض روحی تصور کنند . زیرا
ابتلاء باین بیماری باعث سرشکستگی و حقارت است . ولی متأسفانه باید
تصدیق کرد که بیشتر مردم بامراض روحی ، همان امراضی که در جسم
آدمی اثر کرده ، انسان را ناتوان میکند دچار هستند .

گاهی ناکامی ، زحانی ، نادرادی و شکست در زندگی ، یا شکست
در عشق باعث بروز عقده خود کم بینی میگردد . زحانی هم مشاهده می
شود که جرائم ارتکابی موجب پیدایش رنج درونی گردیده است .

آیا میتوان بروی این افکار زهر آگین و مسموم خط بطلان کشیده
آنها ندیده گرفت .

و آیامیتوان دردمندان روحی را از جامعه بشریت طرد کرد؟ ..

بدیهی است که جواب این سؤال مثبت نبوده و باید برای این نوع مرضی راه نجاتی جستجو کرده، آنرا از زبونی و درماندگی آسوده - خاطر ساخت .

من در این افکار غوطه میخوردم و بسراغ علاج میگشتم . باین نکته برخوردیم که پزشکان در سالهای اخیر از تلقین نابخود آگاه (هیپنوتیزم) در خدمت طب استفاده کرده اند .

در میان مجموعه کتب روانشناسان بزرگی که مطالعه می نمودم جزوه خطی کوچکی بدستم آمد . که مطالعه آن راهنماییهای سودمندی بمن نمود . لذا لازم دانستم که با ترجمه آن این خدمت اجتماعی را که مقدورم می باشد ، انجام دهم ضمناً برای اینکه این جزوه ناقص نباشد مطالبی از کتب مختلف اقتباس نمودم ، بآن افزودم .

البته هیپنوتیزم ، این علم قدیمی با رآکتور انمی که مفهوش عوض کردن افکار و احساسات انسانی در اثر تسخیر مغز است فرق بسیاری دارد . همچنین با موضوعاتی که بعنوان پسیکوشیمی شناخته شده و مغز آدمی را از خطرات گذشته تهی می سازد متفاوت است .

برای اینکه مطالب این کتاب قابل فهم بوده و دستورات عملی آن درست بکار رود سعی شده است که موضوعات مختلف ضمن تصاویری روشن تشریح گردد . بدیهی است که نواقصی هم دارد امید است با کمک خوانندگان ارجمندی که در این علم مهارت و تبحر دارند در چاپهای بعدی بشکمل و رفع نواقص آن همت گماریم .

مهرماه ۱۳۳۷ ناصر الملوك شریف

هیپنوتیزم

HYPNOTISME

علم هیپنوتیزم که آنرا قوت جاذبه میگویند علمی است قدیمی و این علم در زمان قدیم نزد خواص هند از کرامات شمرده میشد . از باب این علم نظر بافتخار خود در تعلیم مضایقه می نمودند و کثرت انقلابات زمان و شدت انحطاط افکار مردم آثار این کتب و این فن شریف معدوم شد تا اینکه بواسطه تجسس و تفکر سیاحان در کتب قدیم از هندوستان بسایر معالک اروپا رفت .

پس از کشف نقاب این علم در تمام اروپا بدرجه ای ترقی نموده که اکنون کمتر کسی بافت می شود که از این علم چیزی نداند . عامل این عمل اگر در مبادی فایده نه بیند نباید دل از آن بردارد ، بلکه بر حکما لازم است که بکمال اطمینان عمل نمایند که در علم طب فواید بسیار دارد .

در اینکه این فوّه وجود است شکی نیست چنانچه در کتب مقدسه روایات بسیاری است که در آن روایات وجود این نیرو ظاهر و مشهود است

۱- منظور از عامل عمل کننده باین علم است

و دال بر نبوت جاذبه انسانی است و بواسطه این قوه جوهریه است که انسان حیوانات سرکش و درندگان وحشی را میتواند مطیع و متقاد خود نماید. در بعضی از اقوام وحشی هرگاه یکی از آنها را مرضی عارض میشود، دیگری او را لمس میکند، یعنی دست بر بدن او مالیده و بواسطه همین ملامسه ازاله مرض از او میشود.

در روایات صحیح نبوت رسانده که در اعصار سابق کاهنان و حکمائی بوده اند که بملامسه امراض را از بدن مریض دفع میکردند. در بعضی روایات نیز بصورت سحر و جادو ظاهر مینمودند و بهمین سبب بر دیگران تفوق داشتند و این همان قوه جاذبه مغناطیسیه است، لکن آنها نمیدانستند که غلبه و تأثیر آن چه بوده است.

در کتب قدیمه نیز نباید شده و صحت وجود این قوه جاذبه را گواهی داده اند و در اکثر مقالات ذکر گردیده که ازاله مرض و دفع آلام روحی بوسیله قوه جاذبه حتمی و غیر قابل انکار است. چنانچه در باب پنجم آیه یازدهم قرآن مجید ذکر است که حضرت یسوع بملامسه دفع مرض از نعمان کرد.

این بهترین دلیل بر اثبات وجود مغناطیس انسانی است. حضرت یسوع علیه السلام چون مدارج عالیه این علم را میدانستند حال تمام دنیا را میدیدند و ای چون مرد خدا بودند فقط بدفع آلام بشر میپرداختند.

البته کسانی هم بوده اند که قدرت این علم را بسا سیاست آموخته و مذهبی تازه ساختند و اینک نیز استفاده شایان میبردند.

ولی تأثیر قدرت این نیرو برای دفع امراض بیشتر بمعجزه شبیه است و هر شخصی باندازه قدرت خود میتواند در این علم مهارت پیدا میکند. درازمنه قدیم حکمای موسیقی دان بودند که با آواز، سامعان را متأثر و محفلوظ میکردند و مردم را بهر جانی که اراده داشتند سوق میدادند و آواز آنها مؤثرتر به کسانی بود که رقیق القلب تر بودند.

در توانیخی که شرح حال حکماء یونان را نگاشته به نبوت رسانده اند که حکمای آن زمان اخیار را بیان میکردند و در عالم رؤیا خیالات مختلفه را معلوم مینمودند.

ما نمیتوانیم تکذیب مشاهدات آنها بنمائیم چنانچه در بعضی حیوانات از قسمی از این حالات هست که بوسیله آن حیوان میتواند چیزی از آینده بداند.

اکثرین دانستیم که تأثیر قوه جاذبه بدن انسان را کسی نمیتواند انکار نماید. برای اثبات میتوانیذ شخصاً بنظریات و دستورات این کتاب با کمال دقت توجه کرده و عمل نمائید.

نظریه دکتر ریش نیک

دکتر ریش نیک ثابت کرده است که این کیفیت در جمیع اشیاء عالم موجود است لکن هر شیئی ای بحسب استعداد و ماده متفاوت است. وجود این کیفیت در روشنی آفتاب، مهتاب، و ثوابت نیز یافت شده است.

بطور خلاصه جوهریست که وزن ندارد و از کیفیات حرارت و روشنی الکتریسته و قوت جاذبه زمینى جداست.

شرح هیپنوتیزم

امروز عجایب حسى، سیر فى المنام، تلقین، خواب از راه دور را رویهم رفته هیپنوتیزم میگویند.

انکسى هیپنوتیزم را است که بخواهد و کسى نمیتواند منکر این نیرو شود و هر کس بخواهد میتواند این اثر را در بدن خود پیدا کند و این قدرت بیشتر در دست انسان است و قوتى شما دستپایان را بروى کتف کسى میگذارد؛ تشخیص احساس حرارت میکند یعنی حرارت بدن شما به بدن او منتقل میشود.

حالا اگر این قرار دادن دست، برای تجربیات هیپنوتیکى باشد و معمول (۱) هم حساس باشد. در اثر همین قرار دادن دست بروى کتف معمول، فوراً احساس تنگی نفس میکند، ساقهای پایش میارزد، سرد میشود. مثل اینکه به الکتر بسته متصل شده باشد، لرزشی در تمام اعضاء بدن خود حس میکند و وقتى

۱- کسیکه مورد آزمایش هیپنوتیکى قرار میگیرد.

دستتان را مطابق شکل (۱) بکف های معمول گذاشته به عقب بکشید اشخاص حساس با نیروی انگشتان شما به عقب کشیده میشوند. این اشخاص را میشود ازده تانیست و نتیجتاً تحت اختیار در آورد.
حتی با مانع هم میتوان از این نیرو استفاده کرد.



شکل (۱)

مثلاً از پشت در، دیوار و غیره. برای اینکه از قدرت این نیرو مطمئن شوید، بدوستان دستور دهید مطابق شکل بالا دستهای شما را به کتفهای شما بگذارند.
در این حالت، بدنتان را مست نگاهدارید، کم و بیش احساس ناراحتی خواهید کرد.

هیپنوتیزم و طب

باید دانست که علم هیپنوتیزم فایده کلی دارد و جمله بسیاری از امراض مزمن مانند سردرد، لقوه، صرع، رماتیسم، سیانیک، دردهای موضعی، هیستریک، دردهای عصبی، فلج، امراض روحی، خیالات تارک، جنون، میگرن، درد های آرتریک و کسانی که عیالاً به پیروی هستند بخوبی علاج پذیر است.

درفرانسه آقایان دکتر Pallier و دکتر Dumont و دکتر Mesnet دردهای زایمان را با این علم تسکین میدادند.

همچنین کسانی را که مصیبت دیده اند با تلقین معالجه میکنند و اشخاص خود سرواچ و رانیز میتوان با این نیرو آرام کرد.

دانستن این علم از وظایف سنگین اطباءست که برای نجات مرضی باید تسخیر روحی کنند. بتجربه ثابت شده است که روح و جسم باهم پیوند دارند، اگر روحی مریض بود، جسم درد میکشد و رنج میبرد و بالتبصره مریض میشود.

اثر مغناطیس ارضی بر جسم انسان

مغناطیس ارضی اثر زیادی بر جسم انسان دارد . چنانکه اکثر اشخاص هستند تا بستر خوابشان بر سطح متوازی سمت الرأس مغناطیس ارضی و سرشان جانب شمال نباشد خوابشان نمیبرد . بسیاری از این اشخاص را دیده و یا شنیده ایم لیکن سبب آن معلوم نشده . در اغلب اوقات اگر بستر مریض را بطرفیکه ذکر شد قرار بدهید از بعضی از امراض زودتر شفایابید .

بشخصی که هرگاه معمول را در وقت عمل مغناطیس بنحوی نشانید که سرش بجانب شمال و پاهایش بطرف جنوب باشد تاثیر عمل هیپنوتیکی زودتر آشکار میشود .

اساس خواب هیپنوتیک

اساس خواب هیپنوتیک دو چیز است :

۱- جذابیست ابراتور یا عامل یا هیپنوتیزم کننده .

۲- حساسیت سوخته یا معمول یا هیپنوتیزم شونده .

ابراتور یا عامل میتواند زن باشد یا مرد ، ولی معمول یا سوخته اگر زن باشد بهتر است ، چون زنها زودتر تحت تاثیر نیروی هیپنوتیزم قرار میگیرند

ابراتور یا عامل

عامل بایستی در درجه اول تندرس ، ولی معمول کم سن و کم بیه باشد . اگرچه این قاعده عمومی نیست چون ممکن است مریضی سنش زیاد باشد یا مقاومت داشته باشد ولی وقتی عامل مهارتی نام داشت باندک سعی کامیاب میشود .

عامل بایستی روحیه ای قوی و یقینی کامل داشته باشد که بدستکاری همت و پشت کار میتواند اثر قوت جاذبه را در هر فردی از افراد پیدا کند و باید دانست که اثر قوت جاذبه بر شخص جسور اقوال مشکل است .

اگر چه هر شخصی میتواند اثر قوت جاذبه را بر دیگری پیدا نماید لکن هر که طاقتش زیادتر است اثر جاذبه اش بر دیگری قوی و برتر خواهد بود. قدرت و سلامتی عامل یکی از شرائط مهم و اساسی است. هنگامیکه عامل - معمول یا سوژه را بطرف خود متوجه میکند بایستی هوشیار، صابر و دلیر باشد و تمام توجهش را به سوژه اختصاص دهد. اگر چه قدرت مغناطیسی در افراد انسان خواه زن باشد خواه مرد یکسان است ولی مرد میتواند بر هر دو تاثیر داشته باشد. طرفین بایستی حضور قلب داشته باشند و مریضی که خود را در اختیار دکتر یا عامل خود میگذارد بایستی با او مطمئن کامل داشته باشد، زیرا پس از انجام دستورات قدرت و توانائی از معمول سلب میشود. در حقیقت استفاده از این نیرو برای تماشا و کارهای تفریحی نه تنها شایسته نیست بلکه ممکن است خطراتی هم داشته باشد.

معمول و یا سوژه

بهترین سوژه ها بچه ها از سن هشت تا پانزده سالگی میباشد برای همین منظور است که در آینده بینی که رشته ای از همین علم است بچه های کم سن را انتخاب میکنند. عموما زنهای جوان آسانتر از مرد های جوان بخواب مغناطیسی میروند سخت ترین سوژه ها از سن پانزده سالگی تا سی سالگی است بعد از این سن هر چه بالاتر روند حساس تر شده و سوژه مناسبی میشوند. برای تمرینات اولیه تا قوی شدن بایستی سوژه حساس پیدا کنید.

پس از قوی شدن خواب کردن هر کسی برای شما بسیار آسان است.

رو بهمرفته سوژه های خوب کسانی هستند که خواب راحت ندارند در خواب زیاد حسرت میکنند، همیشه متوحش هستند، خیالی غرق میروند، زیاد چشمک میزنند، چپ اند، کسانی که اعصابشان ناراحت و متشنج است، هیستریک، عصبانی، کم خون ...

اینها بهترین سوژه ها هستند ولی عالی ترین سوژه کسی است که طاققت نگاه عمیقی را ندارد و چشمانش را پائین میاندازد.

بعضی از پرسورها معتقدند که اشخاص رنگ پریده و حساس رنگ آبی را برزور ترجیح میدهند، اگر بطرف شمال بخوابند راحت ترند روی پهلوی چپ میخوابند، جمعیت ناراحتشان میکند، رنگ کلیسا آنها را کسل مینماید، همیشه احساس دردی درونی دارند.

دنیای پزشکی پی برده است که ریشه بعضی امراض را میتوان در روح جستجو کرد و صورتی که در جسم بروز کرده است.

روح فرمانده و جسم فرمانبردار است.

خواب مغناطیسی

خواب مغناطیسی خوابی است که حواس باطنی بیدار است اما جسم و حواس ظاهری در خواب و مستغرق فراموشی است. (شکل ۲)
در حقیقت میشود گفت خواب بیداری است و این حالت بصاحب



شکل (۲)

خواب زحمتی نمیرساند بلکه صحت می بخشد.

عامل اگر در این حالت از سوژه سؤال یا امری کند. در عدم و یا وقوع آن اگر تردید داشته باشد جواب میدهد من نمیدانم.

معمول یا سوژه چنان هوشی پیدا میکند که میتواند اشیا، مخفی را ببیند، و اگر چیزی هم بدستش دهند بقوه لامسه و ذائقه و شامه تمیز میدهد. سوژه در اینحال بمنزله کوری است که چشمهایش بسته است. در اکثر مدارج این خواب دیده شده است که بر صاحب خواب بقدری کوری عارض میشود که آواز تفنگ را نمیشنود و اینگونه کوری بسته به اراده و خواستش عامل است.

وقتی سوژه را خواب میگیرد مثل اینست که کسانی دارد و یا شراب نوشیده ولی چون صدایش کنید بطوری جواب میدهد مثل اینکه آواز دهنده را می بیند هر چند که چشمانش بسته است. ولی خیالش وسعت دارد، رفتارش ثابت و در کمال ادب و تهذیب است در آنحالت شعور او دو برابر میشود مکرر تجربه شده است که صاحب خواب نسبت باوقات دیگر ملایم میشود، و هر گاه ذکر دوستی یا خویشی که از او جدا شده بنماید آوازش دلسوز میشود.

سوژه میتواند در خواب به هوشیاری جواب گوید ولی اسم اشخاص را نمیتواند بگوید در صورتیکه حالت شخصی را که اسم میبرند بین میکند. حتی نام خود را هم فراموش کرده بجای اسم خود اسم عامل را میگوید. و حال آنکه در مراتب دیگر از روی عقل و دانش گفتگو میکند که گویا آنرا می بیند و بتجربه رسیده است کسی که بخواب مغناطیسی میرود صدمه نمیخورد مگر آنکه عامل بیوقوفی سوژه را بحالتی برساند که خود بتدائیر دفع آن تسلط نداشته باشد.

اثر نگاه

این دو چشمی که سایبانش مژه شماس است. در زیر این سایبان نیروی نهفته است که حرف میزند، جواب میدهد، سرزنش میکند، حکم میکند، عکس قلب شما را یا همه خوبیها و بدیها منعکس مینماید! دلی رامیسوزاند، در اعماق روح نفوذ کرده باد گاهای قلب مرده را دوباره زنده میکند، همین نگاه، همین دو شعله که جای زبان را میگیرد و جذب میکند. اگر با تمرین همراه باشد محال است کسی آنرا تحمل نماید. افکار شما را وارد مغز مریض یا سوژه مینماید. اراده اش را فلج میکند، حالتی در سوژه پیدا میشود که تسخیر (Fascination) نامیده میشود. وقتی عاملی در چشمان معمول نظر میکند، ناچار در غلبه و انفعالی در شخص معمول ظاهر میشود و حرارتی در بدنش تولید میگردد که خواب بر او مستولی میگردد، و یا با اصطلاح کششی بسوی عامل پیدا میکند که از آن نمیتواند خودداری نماید.

برهمنان هندوستان و کاهنان قدیم مصر و یونان واقف و ماهر در عمل مغناطیسی و اثر نگاه بوده و از این نیرو استفاده فراوان میکردند.

چطور چشمان را قوی میکنند

اگر مدت بکره هر روز بدون چشمک زدن یک نقطه خیره شوید، و چشمتان که بر از اشک شد یک چشمک کوتاه زده دوباره ادامه دهید، در اثر همین تمرین چشمان شما قدرت پیدا میکند، و حتی میتوانید یک ساعت بدون مژه بر هم زدن بنقطه ای نگاه کنید.

البته کافی نیست که اگر چشمان شما قوی باشد هیبت تیزر شوید چون بعضی از سوژه ها لجوج هستند و در چشمان شما انگاه نمیکنند. در اینحال بایستی از لباس ها و تلقین صوتی که شرح میدهم کمک بگیرید در اثر مداومت و تمرین بتدری قوی میشوید که با آسانی قوی ترین اشخاص در مقابل شما مقاومت خود را از دست خواهند داد

آزمون با چشم

برای اینکه قدرت چشمتان را امتحان کنید

شخصی را انتخاب نمائید و بدون چشمک زدن در چشماش نظر کنید، اگر چشمانش بر از اشک شد و طاق نگاه شما را نداشت

هیپنوتیزابل است یعنی برای امتحانات شما احساس است. بعضی اشخاص با همین نگاه بخواب میروند.

✕ برای امتحان هیپنوتیکی، در مقابل سوژه بایستید و بگوئید دستهایش را بر روی دستهای شما مطابق شکل ۳ قرار دهد و بازوانش را نرم نگاه



شکل (۳)

بدان در بعد بگوئید دستتان را باین بیادید. اگر دستهای سوژه بیپلوهایش بطرف پایین افتاد. برای خواب هیپنوتیکی استعداد زیادی دارد. ولی اگر دستهای او در هوا معاق ماند. سوژه قوی است و برای خواب کردن او راههای دیگری هست که شرح خواهیم داد.

خواب با القاء لفظی

در زندگی عادی تن صدای اشخاص و ادای کلمات در شنونده تاثیر دارد سخن قدرتی دارد که با آن میتوان دلی را بدر آورد؛ یا نولید درد های شدیدتری کرد، و یا اینکه دردی را تسکین داد.

همین سی و چهار حرف القاء خودمان، اگر در جای خود جمع شوند، اثر آهن ربا را دارند. باصطلاح معروف، سخن کزدل بر آید لاجرم بر دل نشیند اگر طیبی راه قلب معروض را یافت در مانش آسان میگردد. این جملات مجموعه همان است که میگویند حرف بر دل اثر میکند. گاهی شما بدون اراده با حرف مجذوب طرف میشوید. اگر پرسند چرا ؟

جواب خود را نامفهوم تر و نازک تر میدید. نمیدانم ... این حرف است که در شما تاثیر کرده.

اگر در امتحانات هیپنوتیکی القاء لفظی نیز با خراوت ادا شود معمول مجبور با طاعت میشود.

اینهم یکی از اسرار بشارت بشر است که با حرف بکا اید انسانی دشت یافته و با کلمات فریبده روحش را تسخیر میکنند.

دستتان را بروی کاغذ بگذارید و بطرف خود بکشید.

و با تمام قوا بخواهید که کاغذ بطرف شما بیاید.

اگر این تمرین را روزی پنج دقیقه ادامه دهید خیلی قوی میشوید.

یا اینکه پشت یک صندلی بایستید، خیال کنید سوژه شما تخته پشت صندلی

است همانطور که در زدن کی گاهی فکر میکنید طرف شما یک تکه چوب

بزرگ است و هیچگونه احساسی ندارد. تخته پشت صندلی را سوژه

قرار دهید و تمرین کنید تا عاملی قوی شوید.

چگونه بدون سوژه عامل قوی میشود؟

اگر سوژه ای در دسترس شما نباشد: در اطراف تنها بروید، یک

تکه کاغذ را با سنجاق بدیوار بزنید.

و جلوی کاغذ بایستید (مطابق شکل ۴) و فکر کنید که کاغذ سوژه شماست.



شکل (۴)

بشت دست ها پاس دهید یعنی دست را از شانه با تماس تا پشت دست
بیاورید و دوباره ادامه دهید . مطابق شکلهای ۶ و ۵.

بعد برای بیدار کردن، پاس بعکس یعنی از پشت دست تا شانه با دستتان
پاس دهید . بالاخره برای اینکه از این عملیات استفاده طبی شود سعی
کرده اند که بهر ترتیب که شده مریض را بخوابانند . برای اینکار گلوله معروف



شکل (۶)



شکل (۵)

هینوتیکر ایکار میبرند. گلوله هینوتیک گلوله ایست درخشان با تراش
بسیار که آنرا در جلوی چشمان سوژه نگاه میدارند. تا بخواب برود،
همچنین از لامپهای منیزیم، و بازر و شنای قوی استفاده میکنند.

LE GESTE

پاس دادن بدن سوژه را بوسیله عامل رست گویند . بدن ها
نیروی دارد باسم منیتریزم MAGNATISME که مدتهاست شناخته شده
و این نیرو در بدن همه کس موجود است . منتهی بیشتر در نوك انگشتان
اشخاص میباشد .

این نیرو غیر از نگاه و تلقین است . با همین قدرت میتوان سوژه
هینوتیزايل را بیدار کرد .

دستتان را بگذارید بروی کتف های دوستانتان و امتحان کنید.
همانطور که در شکل يك شرح دادیم این نیرو را با آسانی میتوان در خود
بیدار کرد . با همین قدرت فوق العاده و نیروی انگشتان است که طرف
(معمول) بخواب میرود.

اگر دست با بدن سوژه تماس نداشته آنرا پاس فاصله ای میگویند .
پاس دادن با این ترتیب است که :

جلوی سوژه یا مریض بنشینید ، با هر دو دست از شانه های او تا

و یا همیشه بدست از سکوت و نشان دادن علامت استفهام بر نمی‌دارد؟
نمی‌دانم!...

شاید روزی بشر قدرت آنرا پیدا کند و این مسائل را حل کند...
اگر شما بخواهید با قدرت خیال افکارتان را وارد مغز سوژه یا
مریضی بنمائید اشکال دارد؟...

نه... بهیچوجه. اگر بخواهید با همین قدرت حرف شما را
بپذیرد، با دیده خیال مثل اینکه فکران با میخ پیوسته متصل است
روح او را بکشید و از خود اطمینان داشته باشید.
یا اراده قوی میتوان مسیر فکر و روح دردناکی را بجای دیگر
توجه داد.

باید اول بیداری آموخت

خواب مصنوعی در وقتی نتایج بد میدهد، که عامل بی وقوف و
اطلاعی برای تجربه یا تفریح خاطر، کسی را خواب کند.
چون معمول بخواب میرود متعجب میشود. هرگاه بخواهد او را
بیدار کند مضطرب تر سناک میگردد، بسبب آن سوژه زیاده از حد صدمه
میکشد. زیرا در این حالت طبیعت عامل و معمول مشترک است.
چون عامل دستپاچه و مضطرب میشود حال معمول بدتر میگردد.
پس مناسب نیست که کسی امتحان کند، مگر آنکه تمام رموز
این علم را بیاموزد و یا ابراتور با تجربه‌ای با خود داشته باشد.

خیال LA PENSSE

این چهار حرف ساده قدرتی دارد که میتواند امواج را بشکافد،
از اقیانوسها بگذرد؛ با هر آب و هوایی بسازد. شب و روز هم نمیداند
اوج میگیرد... میرود... میگردد... تا... تا کجا؟...
خلاصه هر چه هست گاهی هم شما را با قدرتش میبرد.

در جمعی نشسته‌اید می‌شنوید و می‌بینید، ولی قدرت خیال، شما را
برده است؛ همین چهار حرف که بهر ادا و مخترع را در نمره صفر داده است.
مثلا اگر کسی طرف محبت شماست از قفس سنگها بجنودت می‌آورد، و با همان
قیافه و لباسی که مورد مهر شما واقع شده بود جلوی چشم شما مجسمه‌اش
میکند. ایام را خورد میکند.

گاهی حرفی می‌زنید، و جواب هم میدهید. جواب خیال خود را...
ولی خیال زود تر از اینکه شما حس کنید میگریزد؛ میرود.
آیا این مسائل را میتوان شکافت؟...

که معمول را مطلع او امر عامل مینماید.

در اینحال است که از طرف عامل روشنی ای معمول را احاطه میکند و بسبب همان روشنی است، که معمول باینکه چشمانش بسته است اشیاء مختلف را می بیند.

شکی نیست که حالت غایب بینی ای که بر صاحب خواب مستولی میگردد فقط باین کیفیت است:

(شخصی در خواب مصنوعی و چشمش نیز بسته بود کاغذی جلوی او گذاشتند مینوشت، از او جوابا شدند چگونگی مبینی؟ جواب داد که از بدن عامل شعاعی برخاسته، از بدن مضمون نیز شعاعی خروج میکند که از اتصال هر دو همه چیز را می بینم.

سحر و جادو

سحر و جادو تئیکه در ازمینه قدیم در اکثر ممالک رواج داشته از قبیل همین دور بینی بوده است.

کاهنان مصر و بر همان هندوستان در این عمل ماهر بودند و از غیب خبر میدادند هر گاه کسی در قدرت جاذبه استادی ماهر شود، حتی میتواند صورت خود را در افعال تغییر دهد یعنی طرف را با مهارت خواب کنند.

شخصی نزد یکی از حکماء معروف عصر خود د کتر دارلک رفت، بمحض ورود د کتر حالتی بر آن شخص نمودار کرد که بکلی سلب ذهن از او شد و هر چیزی را بر عکس میدید. مثلاً میز و صندلی را که میدید بنظرش میآمد که از زمین بآسمان عروج میکند و از این قبیل چیزها ...

در زمان جاهلیت کسانی که واقف باین علم بودند مردم را بمشاهده

نقوذ حرارت مغناطیسی

طریقه حرارت مغناطیسی و انتقال آن از جسم عامل بدن معمول اینست که عامل دستهای سوخته را در دست بگیرد بطریقی که:

دست راست بدست چپ بدست راست چپ بدست راست باشد. در اینحال قوت مغناطیسیه از دست راست عامل بدست چپ سوخته و از آنجا بازوی چپ معمول سرایت کرده و بعد از سینه از گذشته، از طرف بازوی راست معمول بدست چپ عامل میرود و باز از آنجا بطرف بازوی راست سوخته سرایت میکند. یعنی بصورت یک حلقه تمام میشود.

در بعضی اشخاص این قوت جاذبه بقدری سریع است که اگر اندکی طول بکشد سوخته بحالت اغما و بیهوشی میافتد.

ولی هر گاه عامل دستهای معمول را بعکس طریقه مذکور یعنی دست راست را در دست راست و دست چپ را در دست چپ بگیرد در اینصورت قوه مغناطیسیه هر دو متناقض و مخالف یکدیگر میگردد چون سوخته حساس تاب تحمل ندارد در اینصورت اتحادی در میان عامل و معمول پیدا میشود

این عجایب دعوت دور و دراز را حیرت می‌انداختند. این دسته از مردم خیال می‌کردند که اینها ساحرند و یا شیطان مطیع آنهاست. یا اینکه مردم مافی الضمیر خود را از آنها سؤال می‌کردند جواب مطابق سؤال می‌شنیدند، فوراً اعتماد کاملی به آنها پیدا کرده چون بنده‌ای مطیع و منقاد میشدند و در صورتی که هیچ چیز بجز قدرت اراده و علم در آنها نبود. این همان قوه مغناطیسی است که میتواند چنین قدرتی را داشته باشد.

شکی نیست که در این زمان هم اشخاصی هستند که با داشتن صفای باطن، باندک غور و تعمق اشیاء غایب را می‌بینند و در بعضی اوقات از کثرت قوه متخیله اجساد و اموات را نیزه جسم میکنند. دکتر ریش نیک عقیده اش این بود که سبب پیداشدن اجنه و اشکال آن اینست که نسبت بصفای باطن و تزکیه نفسی که دارند، احوالات آینده را معلوم می‌نمایند.

دست‌های هیپنوتیزم

متد پرفسور الیس ELYSS

پرفسور الیس این طریقه را برای خواب کردن بکار میبرد:

شخصی را که میخواست خواب کند دستور میداد، راست بایستد، بطریقی که سر بالا، دستها بطرفین بدن آویخته زانوین متصل بهم. سوژه در این حالت که قرار گرفت با او هیچ صحبت نمیکرد بلکه آهسته بآهسته سر او میرفت و شانه های سوژه را کمی مالش میداد آنگاه دستش را بفاصله ده سانتیمتر دورتر از کتفهای سوژه نگاه میداشت. مثل اینکه سوژه بکف دستش چسبیده باشد بطرف خود میکشید. مجدداً دستهایش را بفاصله ده سانتیمتر دورتر از کتف های سوژه نگاه میداشت.

اکثر سوژه بعقب متعایل میشد (مطابق شکل ۷) مطمئن میشد



شکل (۷)

که سوژه حساس را پیدا کرده، البته دستهایش را حائل بدن او نگه میداشت
که زمین نخورد.

هتد پرفسور ژرمن GESMEN

پرفسور ژرمن جلوی سوژه می نشست و با هیاستانک سپس دو انگشت
شست او را در دست میگرفت (مطابق شکل ۸) و دستور میداد دستش را



شکل (۸)

فشار بدهد... بیشتر... باز هم بیشتر...

بعد با صدای ملایمی اظهار می‌کرد نمیتوانی دست را از دست من جدا کنی -

مجدداً با دست چپ دست راست سوژه را مالش میداد چند دقیقه در همین حال باقی میماند. آنگاه بروی دست او فوت میکرد و میگفت: حالا دست جدا میشود، اگر سوژه ای دستش را پائین میانداخت این سوژه را انتخاب میکرد.

البته این پرفسور اشخاص عصبانی و زنک پریده و کم خون را بر دیگران ترجیح میداد و معتقد بود که بهترین سوژه اینها هستند.

سقوط بعقب سر با تلقین لفظی

بعضی اشخاص بقدری حساس هستند که با حرف مقاومتشان را از دست میدهند. سوژه حساسی را انتخاب کنید و بگوئید: وقتی من میگویم يك ... دو ... سه ... بعقب سر کشیده میشوی و قدرتی بدن شما را بعقب می برد.

بعد برای عمل جلوی سوژه بایستید، در چشمانش عمیقانه نگاه کنید (مطابق شکل ۹) و بگوئید:



شکل (۹)

« يك ... دو ... سه ... بعقب كشيده ميشود ».

سوژه حساس با اين امر كوچك عقب كشيده ميشود. ولي فوراً دستان را حائل قرار دهيد كه زمين نخورد.

سقوط بعقب سر باتمسخير نگاه

جاوي سوژه بايستيد بگوئيد فكر كند كه بعقب ميافتد عميقانه در چشمش نظر كنيد و آهسته آهسته نزديك برويد (مطابق شكل ۱۰)

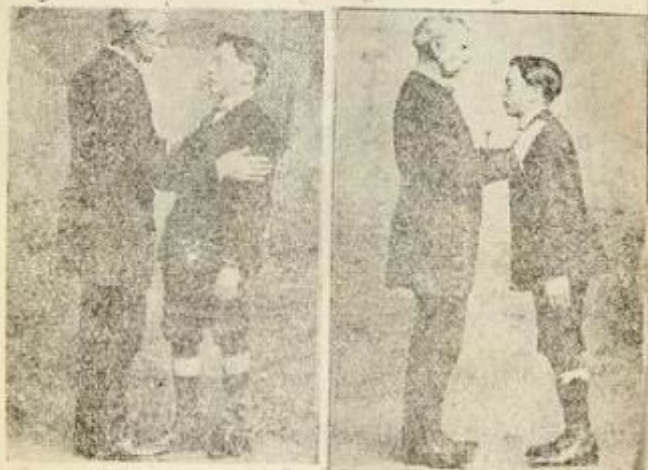


شكل (۱۰)

معمول حساس را، قدرت نگاه شما بعقب ميبرد مواظب باشيد مجدداً دستش را بگيرد نيافتد.

سقوط با كاهش منيتك - تمسخير و تلقين

جاوي سوژه بايستيد دستهايشان را بسينه او بگذاريد، و بگوئيد بجاوي كشيده ميشود. بعد با آهنگ مهرباني اضافه كنيد نگاه چشمان شما من

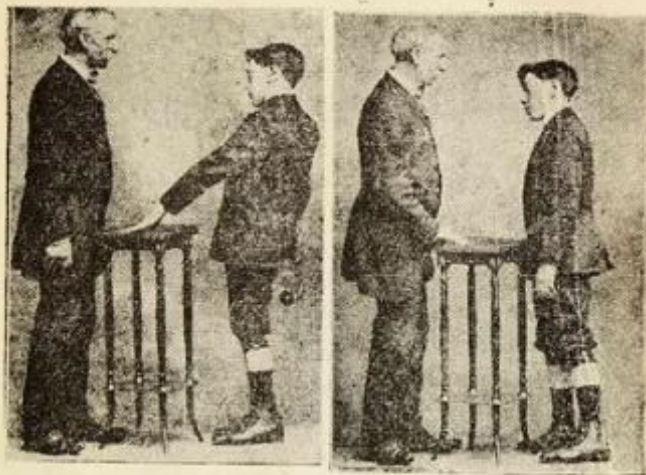


شكل (۱۱)

شكل (۱۲)

را بچلو ميكشند، تترسيد ... تترسيد ... سپس با حلايت از او بجاوي خود نگهداريد. (مطابق شكلهاي ۱۱ و ۱۲)

حواسش کاملاً بجااست باز آنو بروی صندلی می نشیند، چشم از او برنگیرد.
بگوئید دستش را بروی میز بگذارد (مطابق شکل ۱۴) آهرا نه فرمان



شکل (۱۵)

شکل (۱۴)

و بعد دست به سر چسبید. سوژه ای که مسحور چشمان شماست هیچ قدرتی
ندارد. بعد امر کنید دستش را از میز جدا کند (مطابق شکل ۱۵) و سرعت
دو میز بچرخد.

باز آنو بروی صندلی بنشیند

عمیقانه در چشم سوژه نگاه کنید و با کمال مهربانی بگوئید باز آنو



شکل (۱۳)

بروی صندلی بنشین.

صندلی را نشان دهید (مطابق شکل ۱۳) یا حالت گیجی دارد ولی

زنانوش را خم کنید

جلوی سوژه بایستید، عمیقانه در چشمانش نظر کنید و بگویید:
هر وقت من زنانوش را خم کردم (مطابق شکل ۱۶) شما هم بحرف



شکل (۱۶)

من گوش بدهید و زنانوش را خم کنید... خم کنید... بیشتر... باز هم بیشتر...
بسیار خوب حالا بایستید.

عصائی را بدست سوژه بچسبانید

جلوی سوژه بایستید نگاهتان را از او برنگیرید و فرمان دهید عصا
بدست او بچسبد (مطابق شکل ۱۷). یا اینکه دستور دهید محش را بندد
و باز بکشد (مطابق شکل ۱۸) و یا انگشتان او را از هم باز کنید و در تمام



شکل (۱۸)



شکل (۱۷)

این مدت چشمان شما بایستی عمیقانه و بدون چشمک زدن به سوژه نگاه کند.

دهان سوژه را باز کنید

بسوژه دستور دهید که دهانش را باز کند عمیقانه و در چشمانش نگاه کنید و مرتب تلقین لفظی کنید: دهانت را باز کن... کمی بیشتر... باز هم... باز هم بیشتر...

آه... دیگر ممکن نیست بتوانی دهانت را پستی عضلات دهان شما بی حس شده اند. هر قدر سوژه سعی کند ممکن نیست بتواند دهانش را به بندد.

بعد با لحن آرامی بگوئی زبان را خارج کن. زبان را خارج میکند. اگر قدرت ندارد زبان را در دهان خود ببرد. سوژه در اختیار و فرمان شماست.

میتوانید دستور دهید طعمی را احساس کند مثلاً شوری - ترشی: طوری سوژه اخم میکند مثل اینکه واقعاً چیز ترشی میخورد و پسا نمک زیاد ناراحتش کرده است.

و یا میتوانید تلقین کنید که با لکنت صحبت کند، اخم کند، خردق القباء را تکرار کند، خنده کند، گریه کند...

تمام این عملیات را سوژه ای انجام میدهید که اولین مرتبه که دستهای شما بروی کتف های او قرار گرفت یعقب کشیده شود.

کارت را بدست سوژه بچسبانید

طبق دستور سابق جلوی سوژه حساس خود بایستید: بگوئید کارت



شکل (۱۹)

ویزیت را بردار و ای بدست می چسبید سوژه می رود کارت ویزیت را بر میدارد

نمی تواند بدست شما بدهد (مطابق شکل ۱۹)

زیاد دستور دهید (مطابق شکل ۲۰) دستش کشیده شود با همین عملیات
ممکن است مریض لمسی را نجات داد.



شکل (۲۰)

سوزن های حساس هر عملی را آسان انجام میدهند ولی چون منظور
سلامتی افراد است، جداً با متدهائی که شرح میدهم میتوان اشخاص را
خواب کرد ولی بعضی اوقات مریض خیلی مقاومت دارد.
اینک متد استادان و پزشکان مختلف دنیا را تا روزی که این کتاب
چاپ شده شرح میدهم امید است که از این نیرو استفاده طبیبی برده شود
و درد های جسمی و روحی شفا یابد.

حالا خواننده عزیز هر متدی را که می پسندید انتخاب کنید:

با نیروی انگشتان، با قدرت چشمان، با تلقین لفظی، باس و یا
تسخیر روحی. ولی اگر احیاناً برخوردید بمریضی که قدرت فوق العاده
دارد با گلوله معروف فوریه که بگلوله خواب مصنوعی معروف است
اقدام کنید.

در دنیای امروز دانشناسی طبیبی یکی از دستیاران معالج و خدمتگزار
مؤثر جهان میباشد.

شما هم ای پزشک ارجمند، پس از قرائت این کتاب ممارست و تمرین
زیاد بنمایید، تا با استفاده از این نیرو خدمتی بهمنوعان خود کنید.

دکتر ریشه Dr RICHET

دکتر ریشه جاوی سوژه می نشست و در میان دو چشمش نگاه میکرد و با لحن ملایمی میگفت وقتی من شما را بینگرم پیکره‌های شما سنگین میشوند: سنگین شدند... خم شدند... بسته شدند... چشمانتان را به بندید بعد دو دستش را بالای سر سوژه یا هر مرض میبرد چند پاس بدون تماس مطابق شکلهای ۲۱ و ۲۲ از بالای سر سوژه تا سر معده را پاس میداد، در ضمن



شکل (۲۱)



شکل (۲۲)

تأقین میکرد: بخواب... بخواب... بخواب... بعد در پنج گوشش میگفت: خیلی عمیق بخواب.

ضمناً سعی می کرد در مرض تأقین ساعت بخوابد اگر بخواب نمیرفت روز بعد در همان ساعت این عملیات را تکرار میکرد.

بعضی اشخاص ظاهراً قوی هستند ولی پس از چند ثانیه بخواب میروند و مواظب باشید وقتی که پلنگها بهم میخورد شروع خواب است. باین اشخاص پاس دادن لازم نیست این اسوع خوابهای مصنوعی برای کسانی که خستگی اعصاب دارند بسیار نافع است.

ولی فراموش نکنید در گوش مریض بگوئید وقتی بیدار شدی احساس خستگی نخواهی کرد، ناراحتی اعصاب شما حتماً مرتفع میگردد.

و اگر چشمان مریضتان پراز اشك شد با صدای تحکم آمیز بگوئید
 بخواب ... بخواب ... پس از بیداری هیچ دردی ندارى.

دکتر دوم Dr. Gesman

جلوی سوژه به نشینید.
 اول دستهای او را در دست بگیرید و عمیقانه در چشمش نگاه کنید
 و بگوئید اگر خوابش گرفت مقاومت نکند.
 از سرتا سینه اش را پاس دهید (از دوازده دقیقه) وقتی خوابش برد
 سرتان را خم کنید نزدیک گودی معده (Creux De L'estomac)
 (مطابق شکل ۲۴) و بگوئید می شنوی ؟ چو ارتقا پنج مرتبه تکرار کنید.



شکل (۲۴)

دکتر برن هایم Dr. BERNHEIM

جلوی سوژه یا مریض نشینید مثل اینکه قلبش را کوش میدهید.
 زانوانش را در میان زانوان خود بگیرید. در چشمانش نظر کنید، يك كلمه
 هم حرف نزنید (مطابق شکل ۲۳)



شکل (۲۳)

بشدرت اتفاق می افتد که جواب ندهد، با صدای بسیار ضعیف جواب خواهد داد، آنوقت موقعی است که هرچه میل دارید از او سؤال کنید بعضی آلام و دردها در قلب می ماند اگر مریض حرف بزند شغلی باید

متد دکتر بوردویل

Dr. Bourdeville

این دکتر در عملیات خود علامه بر تسخیر نگاه شست های سوزه را در دست می گرفت اگر احياناً مریض یا سوزه از خواب بیدار می شد



شکل (۲۶)

دست بردی کره چشم (Globesoculaire) (مطابق شکل ۲۶) که می فشار میداد و وقتی که مطمئن میشد مریض در خواب هیپنوتیک است تلقین میکرد و سلامتیش را برمی گرداند.

دانت Danto . وربرک Verberk . او نو فوات Onofoit . تست Teste . دکتر ماند Dr. Mande و غیره

دکتر ماند و علمای هیپنوتیزم با نگاه تسخیر می کردند جلوی مریض یا سوزه می نشستند یا می ایستادند، هر طوری که مریض راحت بود، بعد آنقدر نگاه می دادند تا چشمان او بسته میشد شکل. آنوقت تلقین

۱۱



شکل (۲۵)

می کردند، و از دردی که مریضشان شاکی بود نجاتش میدادند.

دکتر پیکمان Dr. Pikman

دکتر پیکمان یکی از مشهورترین هیپنوتیزرهای دنیا باین ترتیب
مریض را میخواباند: دستور میداد مریضش بایستد، دستش را روی شانه
چپ مریض میگذاشت. سپس در دست چپ خود شیئی درخشان بقاصله
دوتا ده سانتیمتر از سر مریض نگاه می داشت و مریضش دستور میداد بآن



شکل (۲۷)

شیئی درخشان نگاه کند (مطابق شکل ۲۷).

وقتی که پاهای مریض می اورزید دستش را بیشت از حائل می کرد
که نیافتد.

دکتر رناتو Rhenato

این هیپنوتیزر مشهور هم مثل دکتر پیکمان مریض را می خواباند
منتهی در انگشتش را جاو سوزن نگاه می داشت و اظهار می کرد که قدرتی
در نوك انگشتان من موجود است که شما را بعقب می کشد و در ضمن
مواظب سوزن هم بود.

دکتر گرهانسن Dr. Hansen

این هیپنوتیزر معروف این طریقه را می یسندید: چانه سوزن را
می گرفت و با چشمان قوی خود نگاهش میکرد، آنقدر نگاه کردن را ادامه
میداد تا مریضش می خوابید آنوقت با ملایمت او را در جای راحتی می-
خواباند و هر چه برای سلامتی مریض در نظر گرفته بود القاء میکرد.

سوژه را پشت بروشنائی بنشانید و بگوئید فکر کنید که میخوابد.
در چشمهانش نگاه کنید و با آهنگ یک وزن، که بلند و کوتاه نشود بگوئید
سرت سنگین شده، آه چه زود پلکهایت خم میشوند. بعد از بالای سر
تا سر معده او را پاس دهید، پس از پاس دادن دست راست را روی سر سوژه
(مطابق شکل ۲۸) بگذارید و مرتباً تلقین کنید و کمی هم بر روی کره چشم
سوژه فشار دهید و او را در جای راحتی بخوابانید.



شکل (۲۸)

کشیش فاریا سوژه را جلوی خود مینشاند و می گفت بهیچ چیز
فکر نکن مگر بخوابیدن.



شکل (۲۹)

عمیقانه نگاهش می کرد تا ده دقیقه بعد یک مرتبه دستپایش را
پایین میآورد و با فریاد می گفت:
سوژه عزیز فوراً بخوابید. بعد یکدست را می گذاشت روی پیشانی
سوژه (مطابق شکل ۲۹) و می گفت می خواهم راحت بخوابی.

متد دکتر لیباید Dr. Libawid

دکتر لیباید دستش را می گذاشت روی پیشانی مریضش (مثل کشیش فاربا) و با کف دست چشمان او را می بست و می گفت خواهش می کنم ، فکر کنی که فوراً می خوابی .

پس از پنج دقیقه دستش را از روی چشمان او بر میداشت و با محبت میگفت می دانم که می خوابی ، ولی می خواهم وقتی بیدار شدی احساس درد نکنی .

متد دلوز Delouze

هیپنوتیزم معروف دلوز سوزده را در مقابل خود می نشاند ، بطوریکه پاهایش متصل بهم باشد . بعد پاهای خود را در پهلوی بای سوزده قرار داده ، در دست او را نیز (مطابق شکل ۳۰) در دست می گرفت و در چشمانش نظر می کرد .



شکل (۳۰)

در اینحال دستهایش را بالای سر سوژه می برد. و از شانه تانوک انگشتان او را با تماماس تمام کف دست پاس میداد.

سپس دو دست را هیکذاشت سر معده سوژه، بطوری که شست سر معده و بقیه انگشتان در اطراف آن قرار گیرد.

در دقیقه صبر می کرد، آنگاه دست را روی سر سوژه، قرار داده از بالای سر تا سر معده را پنج - شش مرتبه پاس می داد. و با اسپارانا درانهای سوژه آنقدر ادامه میداد تا سوژه بخواب عمیقی فرو میرفت.

موتن مونتین Moutin

موتن این طریقه را انتخاب میکرد. البته چشمان بسیار قوی داشت. شش هی سوژه را در دست می گرفت، ده دقیقه الی یکربع در چشمهای سوژه نگاه می کرد. اگر سوژه حساس بود فوراً بخواب میرفت ولی اگر مقاومت داشت یکدست را به پیشانی سوژه و دست دیگر را پشت گردن او گذاشته، (مطابق شکل ۳۱) چند دقیقه در اینحال باقی مینماید.



شکل (۳۱)

و سوژه را با آرامی می‌نشانند ، بعد از پشت کردن تا باسن و رانهای سوژه را باس می‌داد سپس دست راست را جلوی او نگاه داشته ، از مقابل رمانش آهسته تا برابری سینه (Lepicastre) مقابل می‌آورد (مطابق شکل ۳۲) سوژه بخواب عمیقی فرو می‌برد سپس او را بحرف و امید داشت و سوالات را شروع می‌کرد . آنگاه با پاس های استرژادی بیدارش می‌کرد .



شکل (۳۲)

شکل ۳۳ Braid

هیپنوتیزی که خیلی حوصله نداشت سوژه خود را می‌نشانند و گلوله هیپنوتیک را (مطابق شکل ۳۳) آنقدر در مقابل چشمانش نگاه می‌داشت تا



شکل (۳۳)

می‌خواید . سپس شروع می‌کرد بصحبت کردن و دستور دادن .

متد کتر لیه بازان توام با متد برد

Liebeng et Braid

این د کتر معروف کم حوصله مثل دستش برد، عملیات خود را با متد او توام می کرد یعنی مثل متد برد سوژه را می نشانید گلوله را بدست سوژه داده دستور میداد آنقدر نگاه کند تا بخوابد. (مطابق شکل ۳۴)



شکل (۳۴)

بعد دستش را روی سر مریض یا سوژه می گذاشت و می گفت : من می خواهم وقتی بیدار شدی مثلاً فلج یا مای تو از بین رفته باشد . می فهمی می فهمی ... غیر از این نباید باشد .

هیمنو تیزم با تلقین لفظی از راه گوش

بعضی سوژه ها بیشتر از راه گوش حساس هستند، صدای گوش متقلبشان میکند. یعنی حرف بیشتر در آنها اثر دارد. مثلاً کافی است پشت سر سوژه بایستید و بگویید لاله پشت می افتد . سوژه حساس با حرف بعقب کشیده میشود البته بایستی مواظب باشید که زمین نخورد .

هیمنو تیزم با ساعت

سوژه را جلوی خود بنشانید، مانند متد برفسور ژسمن ، سپس يك ساعت روی پیشانی اش گذاشته بگویید چشمانش را به بند دو به تیک تاک ساعت گوش دهد و بخوابد . تیک تاک ... تیک تاک ... تیک تاک ... بعضی سوژه ها در چند دقیقه می خوابند .

متد دکتر شارکو Dr. Charcot

دکتر شارکو مریض را باین ترتیب می خواباند : جلوی مریض می نشست ، يك مرتبه بدون خبر قبلی نوری قوی در چشمانش می انداخت ، یا اینکه پارچه ای آغشته با آمونیاک را زیر دماغش می گرفت . و یا با شدت بروی يك دیبا بازن می زد . فوراً مریض بحال بیدار آمده و بعد (Cathalepsie) می افتاد

هیپنوتیزم در منطقه هیپنوتیز ابل

منطقه هیپنوتیز ابل یعنی قسمتی از بدن که بیشتر حساس است .
در اثر امتحان میتوان این منطقه را در اشخاص پیدا کرد ، مثلاً
بعضی ها نوک انگشتانشان حساس ، و برخی آرنجشان حساس است . بالاخره
در اشخاص فرق میکند .

اگر دکتر در هیپنوتیزری این منطقه حساس را پیدا کرد بآسانی
میتواند بایک حرکت ساده شخصی را بخواب عمیقی ببرد .

متد گتر ژ. بونه Dr. G. Bonnet

دکتر ژول بونه میگوید :

من بعضی برخوردیم که با کمک علم طب میتوانستیم او را نجات
دهم ، حالت روحی و جسمی این مریض که بی اندازه رنج میبرد مرا
تحت تاثیر قرارداد ، احساس میکردم که با تمام قوا ما بلم این مریض را
نجات دهیم .

بسرراغ مندهای پزشکان و پرفسورهای هیپنوتیزم رفتم . آنقدر
صبر و حوصله بخرج دادم تا مریضم را نجات دادم .
اینک خلاصه عملیاتم را شرح میدهم :

برای سوژه یا مریض ایستاده یا نشسته فرق نمیکند ولی ابراتورها
اغلب راحت ترند ایستند بعضی ها برعکس نشسته را ترجیح میدهند
ولی خودم ایستاده را بهتر میدانم .

اول چند پاس بروی کره چشم مریض داده بعد از شانه تا زانوان
مریض را پاس میدادم (مطابق شکل ۳۵)



شکل (۳۵)

پس پشت سر مریض رفته، دستهایم را بر روی کتفهای او میگذاشتم
بطوریکه شست نزدیک ستون فقرات، انگشتان کمی فرو رفته در زیر
تیغه کتف (Sur epineuse) قرار گیرد.

با مریض هیچ صحبت نمیکردم. بعد دستهایم را بطرف خودم
میکشیدم. اگر مریض بعقب سر کشیده میشد فوراً او را میخواباندم و ای
چنانچه کشیده نمیشد و ایستادگی میکرد، باز هم کلاه ای حرف نمیزدم بلکه
دو باره دستهایم را به کتفهای او میگذاشتم و بعقب میکشیدم بعداً
آهسته میگفتم: به عقب سر کشیده میشوی. حتماً کشیده میشوی.

ناراحت میباش، بمن اطمینان داشته باش بهر طرف که بدنت
متمایل است مقاومت ممکن در اینوقت دستم را برمی داشتم، مریض بعقب
می آمد.

هر کسی باندازه حساسیتش مقاومت میکند بعضی هایی اختیار پرت میشوند
ولی اغلب جای خود را تغییر میدهند. عامل باید خیلی با حوصله و صبور باشد.
در ضمن عمل، تلقین لفظی کنید. برای اینکه بعضی اوقات حرف
بوسیله گوش بقاب میرسد، طوری با مریضتان حرف بزنید که ایمان
داشته باشد، شما بخاطر او زحمت میکشید، شما اعتماد نمایدو شما
را حامی خود بدانند.

بالجن محبت آمیزی بگوئید «می فهمی من دکتر تو هستم، برای نجات
تو زحمت میکشم». آنگاه برای سومین بار کتفهای سوخته را با قدرت آف
دست بسوی خود بکشید. طولی نمیکشد که در بازوان شما يك
جسم بی حس و سنگینی میافزد در این حال با يك دست سر معده و با
دست دیگر ناحیه الکن (Region lombaire) او را مالش دهید و سعی کنید
تعادلش بهم نخورد و وقتی ماساژ میدهید در گوشش بگوئید هیچ دردی
نداری... میفهمی... حتماً میدانم که فهمیدی، دردهای تو از بین رفت.
نمیدانی دکترت چقدر خوشحال است.

چند دقیقه هم ناحیه کمر (Externe Hanche) معمول را تار آنهاش
مالش دهید

بعد دستهایتان را به کتفهای او بگذارید و خودتان را حائل قرار
دهید اگر مریضی حساس هم نباشد نتیجه قطعی گرفته اید.

ولی بعضی اوقات که مریضی مقاومت می نماید فوراً يك دست به پیشانی او بگذارید و با دست دیگر آهسته حفره چشم او را فشار دهید. اگر مدت بیست دقیقه به همین حال بماند، سوزه بخواب عمیقی خواهد درفت. با این حال بعضی از مریض ها باز هم مقاومت نموده و بدنشان به همان حال باقی میماند، نا امید نشوید، مریض را بنشانید و يك شیئی درخشان جلو چشمانش نگاه دارید. (مطابق شکل ۳۶)



شکل (۳۶)

مثلاً يك اشرفی طلا که بروی مغز مشکلی دوخته اید. یا سرنك کریمستال که تراش داشته باشد. به مریضتان بگوئید بخوابیدن فکر کند. دستهایش را کنار بدنش بگذارد مدت چهار تا پنج دقیقه شیئی درخشان را جلوی چشم او نگاه دارید

و بگوئید چشم از آن شیئی درخشان بر ندارد.

اگر تعادلش بهم خورد او را راحت بخوابانید و سرنك را بدستش داده بگوئید فاصله پنج تا شش سانتیمتری چشمان خود نگاه داشته بآن نظر کند. مدت يك ربع ساعت او را به حال خود بگذارید تا چشمانش بسته شود. اگر چشمانش را بست که خوابیده است.

ولی چنانچه چشمانش را باز کرد دستهایتان را بروی چشمانش بگذارید و به بندید. یا با تحکم بگوئید محال است بتوانی چشمانت را باز کنی اگر چشمانش را باز نکرد مطمئن باشید که خواب است. ولی در صورتیکه چشمهایش را باز کرد نمی توانید مطمئن شوید که بخواب رفته است سپس از جمجمه تا سر معده او را پاس دهید. (مطابق شکل ۳۷)



شکل (۳۷)

اگر بلكه پاش بهم خورد يا دست خودتان چشمانش را به بنديد و بگوئيد :
لجاجت مكن ، سلامتى تو بسته باینست كه بخوابى . در موقعى كه
اعصاب مريض مرتعش گشت و بطور محسوسى لرزيد مطمئن باشيد كه
مريض ميخوابد .

وقتى كه راحت شديد با صدای آمرانه بگوئيد بخواب
خیلی راحت . . . خیلی عمیق . . . بخواب . . .
اگر این متد را با دقت و حوصله انجام دهید اثر آن صد در صد است .

هتد دكتوريه بافزان در فرانسه ودكتور هاولی در امریکا

Dr. Liebengen et Hawley

این دو دكتور معروف هیپنوتیزم مريض را با حرف گول میزدند و
اورا میخوابانیدند . باین ترتیب كه با یكى ارتمدهای عاری مثلاً با تسخیر نگاه :
پس از اینكه مريض میخوابید از بالای سر تا سر انگشتان مريض را پاس
میدادند . (مطابق شكل ۳۸)



شكل (۳۸)

در ضمن گلوله معروف فیورنیه را جلوی دماغ مریض نگاه
میداشتند (مطابق شکل ۳۹) و میگفتند:



شکل (۳۹)

بوی کلروفرم استنشاق کن. دهانت را خوب باز کن بوی کلروفرم
در فضا پیچیده، گیج شدی بخاری که از این گلوله متصاعد است هوا را
بر کرده... بی حس شدی... بی حس شدی.
میخواهی... بخواب مریض من... راحت باش... درد هایت را از
بین بردم...

باس دادن از مج دست تا سر انگشتان هم مفید است

متد دکتر دورویل Dr. Durville

مقابل سوژه بایستید و ستان را بسینه او گذاشته تا سر معده اش را
باس دهید سوژه کمی حساس، سرش سنگین میشود مژه هایش بهم میخورد
بعد دودست را (مطابق شکل ۴۰) پشت گردن سوژه یا مریض نگاه داشته
و تا سه دقیقه صبر کنید بیمار بخواب عمیقی فرو میرود.



شکل (۴۰)

دوم: با صدای آمرانه دستور داد. بیدار شو... بیدار شو... سپس صورتش را باد بزنید ولی بعضی‌ها باین اعمال بیدار نمیشوند.

باید دستش را در آب سرد فرو برید و با از خودش سؤال کنید چطور بیدارت کنم؟

اگر جواب نداد باز هم محکم فریاد بزنید... بیدار شو... بیدار شو... من میخواهم که بیدار شوی تا پنج می‌شمارم قول بده بیدار شوی.

اگر باز هم ساکت بود صدا را تحکم آمیزتر کنید با فریاد بگوئید سه مرتبه دیگر می‌شمارم بایستی بلند شوی. يك... دو... سه.

چنانچه باز هم بیدار نشد دوباره پاس سر بالا بدهید، از رانها دستها تا شانه‌ها، در مواقع بسیار نادری که سوزنه بحال طبیعی برگشت دستش را دو باره در آب سرد فرو برید، یا کف دستش را بهم بسایید صدای زننده نیز بسیار مؤثر است، یا با کلاب پاش بصورتش آب بپاشید مثل اینکه بیهوشی را بهوش می‌آورید اسمش را صدا بزنید یا اینکه سرو صدای زیاد در اطرافش راه بیاندازید، حتماً بیدار می‌شود.

حالا اگر کسی ناشی بود و طرف را بحال بیهوشی انداخت یعنی زیاد تر از قوه او را پاس داده بود:

باید فوراً يك روشنائی کور کننده بصورتش بیاندازید و سعی کنید با شما حرف بزنند بعضی‌ها نمیتوانند يك کلمه حرف بزنند و بکلی کج هستند.

بیداری

بیداری مثل خواب همیشگی، طبیعی است مگر آنکه شخص نازه کاری کسی را خواب کند. اگر اتفاقاً چنین واقعه‌ای پیش آمد این دو قاعده هر کدام را که مناسب میدانید عمل کنید.

اول: عامل بایستی رفع تشویش از خود بنماید و خود را آرام نگاه دارد. آنگاه شروع بعمل استرداد نماید یعنی همانطور که پاس‌ها را همیشه از سر پائین میدادند، در بیداری بعکس یعنی از نوک انگشتان تا شانه عمل مینمایند. (از پائین بیال پاس دهند) عموماً بدون احساس خستگی سوزنه‌ها بیدار میشوند و هیچ بخاطرشان نمی‌مانند.

اگر احیاناً شخصی حساس بود و بیش از قدرت خود سنگین شده باشد با سانی بیدار نمیشود و بایستی روی بلک‌های اوفوت کرد و خیلی آرام و خونسرد بود زیرا پس از مدت کمی بیدار خواهد شد.

در این موقع گوشه‌ای او را بگیرد (مطابق شکل ۴۱) و بکشید.



شکل (۴۱)

و در گوشه بلند بگوئید :

بیدار شو ... بیدار شو ...

حالت بسیار خوب است .

بعضی ها حرفی میزنند ولی عده ای فقط لبهایشان تکان میخورد

ولی قدرت ندارند حتی يك کلمه حرف یزنند .

در این صورت چند پاس با فشار از سینه تا گلوی سوژه بدهید

از گودی گلو تا چانه (مطابق شکل ۴۲) ضامن او را بکشید همیشه دست را



شکل (۴۲)

سری بالا که می برید بچانه تمام کنید ، و دوباره از گلو شروع کرده تا بالای

سریاس دهید . بعد آرواره او را بگیرد و بگوئید قدری بلندتر حرف بزن من

میدانم که می شنوی .

با کمی پشت کار حتماً می توانید شخصی را که غیر طبیعی بخواب رفته

است بیدار کنید .

سوژه ای که باین درجه سنگین شده هر امری دستور می دهد که با و دهید

انجام می دهد ، و بکلی اختیار روح و جسم او در دست شماست .

روی این اصل است که مناسب نیست بر خلاف اخلاق دستوری

به سوخته داد، باین نیروی عجیب را بازی شمرد و با آن تفریح کرد. زیرا اسباب
زحمت سوخته میشود این قبیل خوابهای سنگین برای جراحی بسیار
مفید است.

تبدیل خواب طبیعی به خواب مصنوعی

اشخاصی که در خواب زیاد حرف میزنند، خواب مضطرب دارند
خیلی زود میشود خواب آنها را بخواب مصنوعی تبدیل کرد.
باین ترتیب: خیلی آهسته نزدیک شخصی که خوابیده است بروید و از
بالای سر تا سر معده او را پاش دهید، بعد با آهنگ ملایم و بسیار آهسته
تلقین کنید.

بخواب ... شما بیدار نمیشوید ... خیلی عمیق بخواب ...
(در سر معده او صحبت کنید).

برای اینکه مطمئن شوید که خوابش تبدیل شده است دست او را
بلند کنید اگر بی حس بود که خوابش تبدیل شده است.
آنگاه بهلولی او به نشینید و از سوالاتی بپرسید، خیلی آهسته جواب
میدهد. برای اینکه خواب اصلی برگردد دستتان را بگذارید روی
پیشانی او، همین عمل کوچک او را بحال اول برمیگرداند.

دکتر پل فارز Dr. Paul Farez

عقیده دکتر پل فارز برای تبدیل کردن خواب طبیعی بخواب
مصنوعی اینست که نزدیک مریض یا سوخته بروید. با شمشیر و زعفران او را بدهید.
به ... خواب ... به ... خواب ...

بعد هر دردی را که منظورتان می باشد معالجه کنید. در این
حالت گنجی به مریضتان هر چه تلقین کنید مؤثر است. وقتی بیدار می شود
درد ندارد ولی نمی داند چه شده.

متد دکتر فاوور Dr. Flower

این دکتر مریض را می‌نشاند مقابل خودش و می‌گفت وقتی من می‌شمارم: يك - مزه را بالا ببرد و بشمارد دو باین بیاورد شروع کردم: يك ... دو ... يك ... دو ... يك ... دو ... بهمین ترتیب صدا را بلند کنید و تندتر اهر دهید مریض بزودی بخواب میرود اگر پاس هم بدهید بی‌اثر نیست.

خواننده گرامی مطمئن باشید شخص قوی یا ضعیف در هر حال با یکی از این متد ها بخواب میرود.

بعضی ها بقدری حساس هستند که از راه دور با مخابره تلگرافی یا پای تلفن با تلقین شما می‌خوانند. یا با کشش عامل قوی از راه بسیار دور از شما اطاعت میکنند.

همینو تیزم از راه دور

با تسخیر شعوری می‌توانید مریض را از راه دور بخوابانید: البته بایستی بدانید که مریضتان حساس است. بعد تصویر او را در فضا جلوی خود مجسم کنید. و تمام افکار خود را بیک نقطه جمع کرده اطمینان داشته باشید که مریض شما از شما اطاعت می‌کند. در فضا به سوژه یا مریض مجسم شده در خیال خود پاس دهید؛ مثل اینکه در مقابل شما ایستاده و تلقین می‌کنید:

بخواب ... بخواب ... بخواب ...

این طرز خواب کردن را دکتر اسدال Dr Esdal رئیس بیمارستان کلنکه برای مریضهای جراحی شده خود بکار میبرد.

کتابخانه بیمارستان

اگر دست سوژه را در دست گرفته و دست راستان را (مطابق شکل ۴۳) او پیشانی بگذارد بهتر است.

سوژه پس از بیدار شدن بدنبال فرمان شما می‌رود.



شکل (۴۳)

این عمل در طب فواید بسیار دارد مثلاً بعضی اشخاص عادات زشتی دارند که بی‌مچوجه نمی‌توانند ترک کنند، با این نوع تلقینات عادت زشت را ترک می‌دهند.

قرنها قبل از اینکه بسبب ترقی و تکامل علم روانشناسی و روان پزشکی دستگاههای الکتریکی متداول شود، خواب کردن بوسیله داروهای مختلف معمول گردد از این روش در درمان بیماریهای روحی استفاده می‌کردند.

بست سوژسیون Poste Sugession

خواننده عزیز میدانید که هر تلقینی در خواب شود در بیداری فراموش می‌شود. ولی پزشکان زحمات بسیار کشیده اند که آثار تلقین آنها در بیداری هم بماند، باین حالت بست سوژسیون می‌گویند. دکتر برن هایم Dr. Bern Heim پس از سی و شش روز زحمت نتیجه گرفت.

ولی دکتر لیگزوا Dr. Liegeois پس از یکسال نتیجه رسید باین ترتیب:

پس از اینکه مریض با سوژه بخواب عمیقی فرو رفت با لحن محکمی امر دهید: «پس از یک ربع ساعت که بیدار شدی مثلاً دستمال را از جیب بیرون بیاور و بروی صورتت بگذار. حتماً اطاعت کن.» یا امر دیگری هم بیاورید عمل میکند ولی بایستی مرتباً فرمان داد و صدرا بلند کرد.

اگر حرکات شدیدی هم بدست و پای او داده شود ابتدا احساس نمی کند.
در تأثیرها نیز از قییل همین کارها کرده باعث اعجاب و شگفتی مردم
می گردیدند.

برای اینکه سوژه بحال طبیعی برگردد

پاس دادن سر بالا از آنها ناشانه با تماس دست بسیار مفید است البته
در حین پاس دادن تلقین بکنید :

رگهای شما باز شدند... باز هم... حس پیدا کردید... باز هم
حرکت بیشتری با اعضایتان بدهید. آنقدر تلقین کنید که سوژه بحال اول
برگردد، در ضمن دستور دهید همه چیز را فراموش کند.

کاتالپزی Catalepsie

این حالت کرخ است که تخشب و داء السباب می گویند یکی از
شاهکارهای هیپنوتیزر های معروف است که سوژه را بدین حالت می -
کشاندند. باین ترتیب :

سوژه حساسی را که بخواب عمیقی می رفت از بازوان بطرف شانه
تا باسن و رانها پاس داده و در ضمن عمل مرتباً تلقین می کردند : نیم
شما بسیار ناراحت است . قلبتان کار نمی کند . بدن شما بی حس شده مثل
یک تکه چوب .

بدن سوژه با این تلقین ها واقعا مثل یک تکه چوب سخت و خشک
می شود بطوری که میتواند سرش را بروی یک صندلی و باهانش را بروی
صندلی دیگر قرار دهد کمرو صینه سوژه مثل چوب خشک راست و کشیده
می شود و در اینحال میتواند یک جسم سنگینی نیز بروی بدن او گذاشت .

تاری Le Lethargie

تاری یا غش (موت کاذب)

در این حالت روح و جسم سوخته در اختیار عامل است .
حالت مرگ موقتی است این خواب گاهی بقدری عمیق می شود
مثل اینکه گیاهی در مقابل عامل است .

هیچ حس ندارد قلبش آهسته می زند ، تنفسش بزحمت محسوس است .
چرا این حالت را در شخصی بوجود می آورند ؟

بعضی از بیماران طاقت درد ندارند . یا از غمی شدید رنج می برند .
برای تسکین درد ، آنان را بحالت موت کاذب می اندازند باین ترتیب :

با یکی از متدهای معمولی مریض را می خوابانند ولی پشت سر هم
باس می دهند و تلقین می کنند . بخواب... بخواب... خیلی عمیق... هیچ احساس
درد نداری... نه در مغز و نه در قلب... کاملاً آرامی... راحت بخواب... همه
چیز را فراموش کن... روح ساکت شده... برای اینکه مریض بحال طبیعی
بر گردد کافی است دستان را روی سرش بگذاری و بگوئید می فهمی ؟
مدای مرا می شنوی ؟ بیدار شو... حالت بسیار خوب است . بیدار
شو... دردها را فراموش کن .

چندین باس با تماس او را بحال طبیعی بر می گردانند البته بایستی
خیلی مهارت داشت .

انستزی Anesthesie

این حالت تشکیل شده از کاتالیز و تاری .

انستزی سخت ترین خواب مغناطیسی است .

غالباً جراحانیکه وسایل بیهوشی در دسترسشان نبود باین وسیله
مریض را بیهوش می کردند .

این حالت خیلی شدید است اگر سوزن بپزد سوخته یا مریض بزنند
احساس نمی کند . پرفسورها برای جراحی و یاددهای بسیار شدیدی که
مریض طاقت تحمل آنرا ندارد از این نوع خواب استفاده می کردند . بهمان
ترتیبی که ذکر شده مدت زیادی باس می دادند و این نوع خواب برای کسانی که
مثلاً به حساسیت دروهای جسمی (Souffrance Physique) هستند
بسیار نافع است .

متأسفانه بیشتر مردم باین حالت مبتلا هستند !!!

ملصق نماید، بعد از آن حالتی بسوژه دست میدهد که هر چه از او سؤال کنید
از حالات گذشته یا آینده و همچنین اشیاء مخفیة نشان می دهد.

پس معلوم میشود این علم از قدیم بوده و همان تسخیر روحی سوژه
است. تواریخ یونان در شرح حال حکما می نویسند که حکمای آن زمان
اخبار را در عالم رؤیا بیان می کردند.

اکنون بچشم خود می توانیم به بینیم کسی که خواب هیپنوتیزی
بر او مستولی میشود میتواند از احوال دنیا آگاهی دهد.

و پاره کسی با تزکیه نفس خود می تواند گذشته را معلوم و آینده را
پیش بینی نماید.

آئینه بینی

Visiou Dans Le Cristal

آئینه بینی که رشته ای از علم هیپنوتیزم است، بوسیله تسخیر و
تلقین و بایس صورت می گیرد.

طریقه اول - طفل هشت یا نه ساله ای را در زانو جلوی آئینه شفاف
نشاند و باو تأکید نماید که در آئینه نظر کند و مردمک چشم را فقط بیک
نقطه بدوزد و بطرف دیگر توجه نداشته سعی کند چشمهایش را بر هم نزند.
شخص عامل باید با دو دست خود از محاذی صورت طفل تا بروی آئینه
هر تیبایس دهد در این موقع حالتی بر طفل مستولی می گردد که هر سؤالی از
او بکنید از غریب و بعید جواب می دهد.

طریقه دوم: هر گاه بخواهید بر کسی غایب بینی ظاهر کنید باید:
یک کاسه بلور شفاف را از آب صاف پر کنید و مقابل سوژه بگذارید
و سوژه بنظر تعمق و حضور قلب در آن کاسه نظر کند. در این حالت باید دو
تکه سنگ مغناطیسی در دست داشته باشد و دستها را تا دو ساعت بسینه خود

تزکیه نفس

برای اینکه نفسی تزکیه شود بایستی شخص خود را مبری از هر بدی نماید. صفات حیوانیت را ترك نموده متصف بصفات الهی شود. تا تجلی حق در آئینه قلب او بشود.

بایستی شبها در اطاق تنها بخوابد به عکس شخصی که باو معتقد است یا يك قطعه مغناطیس نظر کند تا بخواب رود.

مدتی تمرین نماید و از خوردن غذای زیاد اجتناب نماید. نظریه دوختن به قطعه عکس و یا آن جسم مغناطیس، توجه از همه جا منقطع و يك نقطه مخصوص مشغول می شود.

لذا خیالات متفرقه بکلی از وجود او بر طرف می شود رفته رفته عامل را مستعد فهم مطالب و ترك خیالات متفرقه می نماید.

وقتی نفسی از دنیا منقطع شود و بسوی خدا توجه نماید، ناچار بر طبیعت حقیقی لازم است که صور خارجی را بر قلبی خطوط دهد که منزله از هر بدی است.

وقتی قلبی تزکیه شد و جز نور خدائی در او چیزی نبود محل تجلیات خدائی میشود: قلب مؤمن هم ممکن است خبر از ضمائر و مغیبات دهد، ولی بطور کلی:

((لا یعلم الغیب الا هو))

احضار ارواح

برای احضار ارواح بقاعده اهل تصوف در اطاقی تاریک دور میز مدور بشکل حلقه می نشینند. اهل حلقه بایستی کمتر از سه نفر و بیش از ده نفر نبوده و از مردمان متقی و پرهیز کار باشند. هر گاه مرد بد قلبی در میان جمع باشد ارواح از آمدن احتراز مینمایند پس از آنکه بدقت اشخاص حلقه تعیین شدند:

دور تا دور میز می نشینند بطوریکه دست راست هر کس در دست چپ دیگری باشد و همگی توجه بر يك مطلب نموده بسا حضور قلب و حواس جمع روح هر کس را که بخواهند می طلبند. باید همگی صورت و هیكل صاحب روح را در قلب خود تصور کنند و توجه خود را بصاحب روح بنمایند.

ده الی پانزده روز ادامه میدهند تا اینکه یکی از اهل حلقه از حالت طبیعی بیرون رفته حالت روحانیت در او ظاهر میگردد.

اگر در مدت ده-پانزده روز به همین طریق مداومت نمایند و تغییری در

هیچکدام ظاهر نشود. باید جای خود را تغییر دهند.

پس از آن باز شروع بعمل نمایند تا حالت مذکور در یکی از آنها ظاهر گردد چون این حالت پیدا شد لازم است که شخص مذکور را پشت بشمال و رو به جنوب بنشانند، البته باید یک نفر را رئیس خود قرار داده از او اطاعت کنند. سپس رئیس در مقابل آن شخصی که از حال طبیعی خارج شده بنشیند و بسوزه بگوید از روح سؤال کن.

هرگاه استماع صوتی احساس شد با اینکه پایه میز حرکت کرد باید دانست که روح مطلوب حاضر شده است آنگاه همان شخص رئیس به آهستگی و ملایمت پیرسد:

اگر کسی آمده است بگو جواب بدهد ... (جوابهاییکه شنیده میشود باین طریق است)

اگر يك بار پایه حرکت کرد نشان حرف الف ... و دوبار ... علامت حرف ب ... سه بار الی آخر بر تریب نشان بقیه حروف تهجی است. در بعضی اوقات صدا نمی آید بلکه انگشت یکی از اهل حلقه حرکت میکند.

در اینصورت شخصی که انگشتش حرکت نموده حالتش تغییر کرده است باید فوراً مدادی بدستش بدهد و زیر دست او کاغذ بگذارد سپس هر سؤالی از او بکنید جوابش را خواهد نوشت.

برای اشخاصی که حالتشان تغییر کرده از روح ظاهر می شود. و بنظرشان میرسد که به دیوار حروف روشنی نوشته شده است که بخوانند. این سوزده ها بسیار حساسند گاهی اوقات نیز که از شیئی ای نوری.

بر می خیزد سوزده حساس نمی بیند همانطور که سنگ مغناطیس جذب آهن میکند. همانطور نیز انجذاب روح باروح می شود.

باید دانست که از ارواح نباید سؤالات بپرسید. زیرا اجازه ندارند بهر سؤالی جواب دهند. هرگاه روح مردمان گناهکار حاضر شوند گریه و زاری می کنند باید برای آنها طلب آمرزش کرد...

اوه !! ...

#

پایان

فهرست مطالب

۴۷	متد د کتر بور دوو بل	۱	هینوتیزم
۴۸	متد د کتر بیکمان	۵	شرح هینوتیزم
۴۹	متد ونا تو	۷	هینوتیزم وطب
۵۰	متد ژوان	۸	اثر مغناطیس ارضی بر جسم انسان
۵۱	متد کشیش فاربا	۹	اساس خواب هینوتیک
۵۲	متد د کتر لیبابوید	۱۲	خواب مغناطیسی
۵۳	متد د لوژ	۱۴	اثر نگاه
۵۵	متد موان	۱۵	چطور چشمان قوی میشود
۵۷	متد برود	۱۷	خواب با القاء لفظی
۵۸	متد د کتر لیه با نزان	۱۷	چگونه بدون سوژه عامل قوی
۵۹	متد د کتر شارکو	۱۸	میشود
۶۱	متد د کتر بونه	۲۰	ژست
۶۷	متد د کتر هاولی	۲۲	خیال
۶۹	متد د کتر دورویل	۲۳	اول باید بیداری آموخت
۷۰	بیداری	۲۴	نفوذ حرارت مغناطیسی
	تبدیل خواب طبیعی به خواب	۲۵	سحر و جادو
۷۴	مصنوعی		متدهای هینوتیزم (متد پرفسور
۷۵	متد پل فانر	۲۷	الیس)
۷۶	متد د کتر فلوور	۲۹	متد پرفسور ژسمن
۷۷	هینوتیزم از راه دور	۳۱	مقوله عقب سر با تلقین لفظی
۷۸	پست - وژسبون	۳۲	« « « باتسخیر نگاه
۸۰	کاتالیزری		مقوله عقب با کشش منبیک تسخیر
۸۲	لنارژی یاغش	۳۳	و تلقین
۸۳	استزی	۴۲	متد د کتر ویشه
۸۴	آئینه بینی	۴۴	متد د کتر برن هابم
۸۶	ترکیه نفس	۴۵	متد دوم د کتر ژسمن
۸۷	احضار ارواح	۴۶	متد تسخیری د کتر ماند

زیر چاپ :

پراسر هلن اثر الکساندر دوما
ترجمہ: ناصر الملوك شريف

حق طبع محفوظ و مخصوص مؤلف است

بها : در تمام کشور ۵۰ ریال